

«کاهش جرم در پرتو مؤلفه های مده کاری اجتماعی»

جواد صالحی^۱ - حسین پورمحي آبادي^۲

های افراد در جامعه ناشی از مسائل اجتماعی است. یکی از این نارسائی ها شیوع گسترده عوامل جرم زا در جامعه است. دانش قضایی با قانون گذاری و به مجازات رسانیدن مجرمان نه تنها نتوانسته چکیده: مشکلات و نارسائی است از حجم گسترده آن بکاهد، بلکه به جرم و مجرم شدن دامن زده است. محققان علوم جرم شناسی و کیفر شناسی با توسعه مطالعات خویش بر روی مجرمین و علل وقوع جرم سعی کرده اند، آلام ناشی از آن را کاهش دهند و توجه دانش حقوق جزا و قانون گذار را به پیش گیری از تکرار معطوف سازند. دانش جرم شناسی با توجه به طبع پذیرش و استمداد از کلیه علوم اجتماعی در مطالعات خویش به مده کاری اجتماعی روی آورده است.

با توجه به محیط و موضوع کار مده کار اجتماعی نقاط اشتراکی میان همکاری این دو علم حاصل گردیده است. چراکه مده کار اجتماعی در شرایطی موفق است که بتواند بر مسائل و معضلات اجتماعی فائق آید. از این رو شناخت مسائل اجتماعی و نارسائی های موجود که عمدتاً زمینه ساز جرم می باشد، زمینه پیشرفت بهتر مده کاری اجتماعی را تسهیل می کند.

در این مقاله سعی بر آن است تا نقش مده کاری اجتماعی در کاهش جرم، از طریق اقداماتی که پس از وقوع جرم در راستای جلوگیری از تکرار جرم توسط آنها صورت می گیرد را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

واژگان کلیدی: کاهش جرم، مده کاری اجتماعی، جرم شناسی، جرم، مده جو

^۱ دستیار علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور مرکز کرمان-دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی - دانشگاه تهران (پردیس قم)

مقدمه:

جرم یک پدیده جهانی و اجتماعی است که با خلقت بشر، تحت عناوین سرپیچی، سرکشی، رفتار ناشایسته و ناپسند آغاز گردیده و یکی از مفاهیم و موضوعات جرم‌شناسی^۱ است. جرم از منظر علوم مختلف مورد تعریف قرار گرفته است. از منظر حقوق، نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی، در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده شده است. در حالی که از منظر جامعه‌شناسی، جرم یک پدیده طبیعی و دائمی است و در هر زمان و مکان اتفاق می‌افتد. در عین حال جرم با تحولات اجتماعی تغییر نمی‌یابد و نزد وجدان قاطبه مردم زشت و ناپسند است و احساسات اجتماعی را متأثر می‌سازد.

از دیدگاه جامعه‌شناس فرانسوی، دورکیم، جرم پدیده طبیعی اجتماعی است و از فرهنگ و تمدن هر اجتماع ناشی می‌گردد و هر عملی که وجدان عمومی را جریحه دارد کند، جرم محسوب می‌شود. بنابراین ارتکاب جرم یک پدیده طبیعی است و علل استثنایی در بروز آن تأثیری ندارد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۷۶۰) جرم ناشی از نظام، فرهنگ و تمدن هر اجتماع است. تا اجتماع و نظام آن باقی است، جرم نیز دارای خصوصیت دائمی خواهد بود.

به نظر دورکیم جرم بهنجار است. زیرا تصور وجود جامعه‌ای عاری از آن محال است. جرم ضروری است و به شرایط اساسی حیات اجتماعی بستگی دارد. شرایطی که با جرم بستگی دارد، برای تصور بهنجار اخلاق و حق لازم است. (نجفی ابرندآبادی، همان: ۷۶۲) جرم نه تنها حاکی از آن است که جامعه از تغییرات ضروری بازمانده است، بلکه در برخی موارد مستقیماً زمینه را برای این تغییرات آماده می‌سازد.

^۱ جرم‌شناسی علم شناخت پدیده مجرمانه یعنی علل تکوین جرم و خصوصیات چگونگی ارتکاب جرم و دانش شناخت علل و عوامل ارتکاب و ماهیت جرم است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۸۸۴)

از دیدگاه جرم شناسان، ناسازگاری افراد در اجتماع، عمل ضداجتماعی و جرم تلقی می شود. در جرم شناسی نه تنها فعل و یا ترک فعل را که در قانون برای آن مجازات پیش بینی شده است، جرم می نامند؛ بلکه هر عملی را که مضر به وضع اجتماع باشد و اعمالی را که در قوانین کیفری برای آن مجازاتی پیش بینی نشده است، مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. از همین رو کج روی و انحراف ها در مقوله جرم شناسی قرار می گیرد.

اما با این وجود در جرم شناسی نیز، کلینیک جرم سازمان زندان ها است. در این سازمان، اداره پذیرش و تشخیص، نقش معاینه و آزمایش را برعهده دارد. هدف از این تلاش آن است که محکوم علیه پس از اتمام دوران حبس، اصلاح شده از زندان خارج گردد. (بولک، ۱۳۸۰: ۷۴-۷۰)

در کیفرشناسی و علم زندان ها، مسائل مربوط به طرز اجرای کیفر و اقدامات تأمینی، روش های اصلاحی، تربیتی و یا درمانی و چگونگی منطبق نمودن آن ها با شخصیت بزهکاران، تشکیلات و سازمان زندانها و سایر موسسه های اصلاحی، تربیتی و یا درمانی و اصولی که رعایت آنها سبب اصلاح و تربیت بزهکاران و آماده نمودن آنها به زندگی عادی اجتماعی است، مورد بحث قرار می گیرد.

در کیفرشناسی و علم زندان ها با استفاده از جرم شناسی بالینی، با تشکیل پرونده شناسایی شخصیت (تحقیق و پژوهش اجتماعی، آزمایش های پزشکی، روان پزشکی و روان شناسی) علل ارتکاب جرم و با اجرای روش های خاص در محیط بسته (نگهداری در زندان ها یا موسسه های اصلاحی، تربیتی و درمانی یا در محیط باز، اجرای روش نیمه آزادی، آزادی با مراقبت) سعی می شود که از تکرار جرم پیش گیری به عمل آید. (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حمید هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۱۴۹-۱۴۷) به همین لحاظ است که می توان گفت آیین نامه سازمان زندان ها به مثابه ساختار یک درمانگاه ترسیم شده است. زمانی که مجرم وارد زندان می شود، ابتدا در بخش پذیرش مستقر می شود.

حدود یک ماه طول می کشد تا پرونده شخصیت وی تهیه و تکمیل شود. سپس در شورای طبقه بندی زندانیان، با توجه به پرونده اولیه وی، برای او محلی مناسب جهت تحمل کیفر مشخص می گردد. (بولک، همان: ۱۳۷-۱۳۲) از این رو نقطه اتصال میان جرم شناسی و کیفرشناسی حاصل می گردد. چراکه در جرم شناسی نیز با بررسی پرونده و سوابق بزهکار و اثرات حاصله از اجرای کیفرها، روش های مختلف برای جلوگیری از بروز و یا تکرار جرایم ارائه می گردد. در نتیجه، این دو علم به یکدیگر وابستگی کامل دارند. (دانش، ۱۳۸۱: ۴۳-۴۱)

از نظر جرم شناسی، پیش گیری اجتماعی مبتنی بر علت شناسی جرم است. یعنی پیش گیری اجتماعی از تکرار جرم مستلزم قبولی این واقعیت است که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند. عوامل اجتماعی نقش عمده ای در بزهکاری مجدد افراد دارند. (فرجیهای قزوینی، ۱۳۷۳: ۱۴۹-۱۴۷) از طرف دیگر، شناسایی شخصیت بزهکار برای منطبق نمودن روش های اجرایی دارای اهمیت است. بدون شناسایی علل ارتکاب جرم، اجرای هر نوع روشی برای اصلاح، تربیت یا درمان بزهکار و پیش گیری از تکرار جرم اثر مطلوبی ندارد.

مددکاری اجتماعی به عنوان یکی از علوم بین رشته ای، که با موضوع جرم و جرم شناسی سروکار دارد، به صورت متقابل با مفاهیم حقوقی اجین شده است. یکی از موضوعات پیش روی مددکاری اجتماعی، بحث بزه و پیش گیری از جرم می باشد. البته این نوع پیش گیری (پیش گیری فردی) از دایره جرم شناسی پیشگیرانه (به معنای مضیق) خارج است. چراکه پیش گیری فردی از جرم، زمانی اعمال می شود که محکومیتی صورت گرفته و به جهت جلوگیری از سقوط مجدد محکوم علیه در ورطه بزهکاری

اعمال می گردد. لذا پیش گیری مطرح در اقدامات مددکاری اجتماعی در قالب اقدامات اصلاحی و اجتماعی و پیش گیری ثانویه^۱ و ثالث^۲ می گنجد. اصطلاح بزهکاران مترادف با پیش گیری از تکرار جرم است و به این معناست که قبلاً جرمی اتفاق افتاده است و مجازاتی در حال اجراء است. لذا این محکومیت و نحوه اجراء آن باید جنبه بازپروانه و اصلاحی داشته باشد. پس می توان پیش گیری از تکرار جرم را از مصادیق معمول در جرم شناسی بالینی^۳ شناخت. چراکه در جرم شناسی بالینی ما نیز با بزهکاران، یعنی کسانی که در اختیار دستگاه عدالت کیفری قرار دارند، سروکار داریم. (هیوز، ۱۳۸۰: ۱۳۲-۱۲۷)

مؤلفه های مددکاری اجتماعی اگرچه با مؤلفه های جرم شناسی بالینی تفاوت چشمگیری دارد، اما منظور و مقصود این دسته از علوم چیزی جز اصلاح مجرمین نیست. حتی افزون اینکه مددکاری اجتماعی به لحاظ دخالت در مرحله ماقبل بزهکاری (آستانه خطر) با اقدامات پیشگیرانه ثانویه می تواند چیزی فراتر از جرم شناسی بالینی که مختص مرحله پیشگیری ثالث می باشد، تلقی گردد. مددکاری اجتماعی، حرفه ای مبتنی بر دانش، اصول، مهارت و روش ها است که هدف از آن کمک به افراد، گروه ها و جامعه است تا بتوانند با تکیه بر توانایی ها و امکانات موجود، به استقلال نسبی و رضایت خاطر فردی برای حل مشکل رویاروی خود دست یابند. مددکار اجتماعی موقعیت هایی را که

^۱ پیش گیری ثانویه یا سطح دوم، عبارت از مداخله در حالت های خطرناک است. مداخله در حالت هایی که در آستانه وقوع جرم قرار دارد. غایت این پیش گیری، تشخیص محل و وضعیتی است که در فراهم کردن زمینه جرم نقش فعالی دارد. این پیش گیری که در آستانه ارتکاب جرم است، مربوط به حالتی است که جرم در شرف وقوع است.

^۲ پیش گیری ثالث یا سطح سوم، مجموعه تدابیری است که برای مهار آثار انفجار، بحران و انفجار حالت خطرناک، یعنی زمانی که جرم محقق شده و حالت خطرناک به حالت مجرمیت تبدیل شده است، اعمال می شوند. در این مرحله اقداماتی در مقام جلوگیری از استمرار حالت مجرمیت، به منظور خنثی کردن آثار آن به کار گرفته می شود.

^۳ جرم شناسی بالینی، شاخه ای از جرم شناسی است که با تاکید بر اصلاح و درمان بزهکار، درصدد جلوگیری از تکرار جرم است.

در آن نیاز مددجو و افراد مشخص دیگر وجود دارد، را کشف و ارزیابی می‌کند.^۱ یکی از این موقعیت‌ها، زمانی است که بزهکار^۲ در چنگال عدالت در حال تحمل مجازات است. براساس یافته‌های این اکتشاف، برنامه کاری برای از بین بردن موانع کارایی در موقعیت ایجاد و قراردادی میان مددکار و مددجو منعقد می‌شود.

مددکار اجتماعی به مددجویان یا اعضاء گروه کمک می‌کند تا خودشان مسوولیت انجام کارهای خویش را شخصاً به عهده گیرند و استعداد و توانائی‌های خویش را برای حل مشکلات و مسائل زندگی به کار ببرند. یکی از زمینه‌های شناخت و به کارگیری استعداد فردی، موقعیت پس از وقوع جرم توسط افراد است. در این مرحله، برای آن که مددجویی بتواند مسوولیت کارهای خویش را بپذیرد و در حل مشکل خویش مؤثر باشد، لازم است تا به مددجو فرصت داده شود تا براساس موقعیت خویش، از امکانات موجود آگاهی کسب کند و درباره نتایج و پیامدهای اجتماعی، پیش بینی و انتخاب یک مسیر بیندیشد. در پرتو این مسائل مددجو قادر می‌شود تا راه‌هایی را انتخاب کند که به رشد و بالندگی برسد و ضمن حل مشکلات خود به راحتی با بحران‌ها روبرو شود. البته در این مسیر ابتدا توانائی‌های افراد و آگاه کردن آنها از این توانائی‌ها و سپس کمک به شکوفایی استعدادهای بالقوه آنها صورت می‌گیرد.

^۱ تشخیص نوع مددجو اولین قدم در ارائه خدمت است. چراکه روابط متقابل مددکار و مددجو و اعمال آنها بسته به نوع مددجو و نوع کمکی که خواهان آن است، تغییر می‌کند. مددجویان به طرق مختلف به مددکار اجتماعی مراجعه می‌کنند و این تفاوت در چگونگی مراجعه آنها، ابزار متفاوتی برای حل مشکل آنها را می‌طلبد. برخی از اشکال مراجعه مددجویان، موارد ذیل می‌باشد:

(۱)ارجاع غیررسمی توسط همسایه یا یک آشنا؛

(۲)خودارجاعی؛

(۳)مشارکت حکمی از طرف دادگاه یا اشخاص ذیصلاح دیگر. (جانسون، ۱۳۷۹: ۲۰۶-۱۷۹)

^۲ البته گروه‌های هدف در مددکاری اجتماعی منحصر به بزهکاران و زندانیان نیست.

مددکار اجتماعی

مددکار اجتماعی که داری مهارت برای ارتباط با افراد و گروه های دیگر و توسعه روابط است، در یک موقعیت امداد رسانی، از دانشی بهره می گیرد که باعث درک افراد در موقعیت های مختلف شده؛ دانش لازم برای روش های امداد رسانی را فراهم آورده؛ وسیله ای برای پیاده سازی آن روش ها می سازد. ضمن آن که مددکار براساس ارزشهای حرفه ای، ارزش های جامعه و ارزش های شخصی خود، یک سیستم ارزشی می سازد.

مددکار اجتماعی باید دو دسته از دانش ها را به طور نظری فرا گیرد؛

الف) اطلاعات خاص حرفه مددکاری.

ب) اطلاعات عمومی از علوم و دانش های دیگر از جمله روان شناسی، جامعه شناسی، جرم شناسی، کیفرشناسی و مردم شناسی. به همین دلیل است که مددکاری اجتماعی از علوم بین رشته ای است. در واقع، آگاهی عمومی مددکار اجتماعی از رشته های دیگر علوم، او را در خدمت رسانی بهتر و برطرف کردن مشکل مراجع، خواه از طریق افزایش مهارت یا ارجاع درست مراجع به متخصص، یاری می دهد.

در مددکاری اجتماعی، دستیابی به استقلال نسبی مهم است. مددکار اجتماعی با استفاده از توانایی های گروه هدف و منابع موجود در جامعه زمینه ایجاد استقلال نسبی افراد را فراهم می کند، تا آن ها بتوانند بدون نیاز به حمایت و کمک مستمر دیگران به زندگی سالم خود ادامه دهند. (مافت و اشفورد، ۱۳۷۹: ۴۱-۳۲) بنابراین وظیفه مددکار اجتماعی این است که در کار با گروه های هدف^۱ اعم از فرد، گروه یا جامعه؛ آنها را با

^۱ گروه هدف دارای طیف گسترده ای است که می تواند شامل زنان سرپرست خانوار، زنان خودسرپرست، کودکان بی سرپرست، کودکان بدسرپرست، سالمندان، معلولان، بیماران عادی، بیماران خاص، بیماران مبتلا به ایدز، بیماران روانی، زوج های متقاضی طلاق، خانواده های نیازمند، از کارافتادگان، متکدیان، کودکان خیابانی، زنان آسیب دیده اجتماعی و روسپی، کودکان آزار دیده، همسران آزار دیده، معتادان، فراریان از منزل اورگان و پناهندگان، بلادیدگان از حوادث و بلایای طبیعی و سیاسی، افرادی که اقدام به خودکشی کرده اند، دانش آموزان، دانشجویان، کارگران، کارمندان و ... باشند. (سام آرام، ۱۳۷۴: ۱۲۴-۱۰۵)

تواناییها و استعدادهای خود و منابع موجود در جامعه آشنا کند، تا از این توانایی ها برای حل مشکلات یا رفع نیازها استفاده کنند و در انجام امور، وابسته به مددکار اجتماعی نباشند.

مددکار اجتماعی کارآمد، مهارت های مدد‌رسانی خود را توسعه می‌دهد. این مهارت ها عملکردهای درست افراد بشر هستند و محرمانه و مختص گروهی خاص نیستند. از این مهارت ها برای افرادی استفاده می‌شود که در عملکرد اجتماعی مشکل دارند و نمی‌توانند مسئولیت های معمول در اعمال متقابل انسانی را انجام دهند. از این مهارت ها برای مردمی استفاده می‌شود که زمینه فرهنگی اجتماعی متفاوتی از مددکار در زمینه اعمال متقابل دارند. از این رو، این مهارت ها باید با اعمال متقابل انسانی هماهنگ باشند. این مهارت ها، عبارت اند از:

۱. مهارت درک شخص در موقعیت و کمک به افراد دیگر در شناخت خودشان در موقعیت؛^۱

۲. مهارت ایجاد شرایطی که مشوق عمل متقابل باشد؛^۲

۳. مهارت حل مشکلات مددجو؛^۳

۴. مهارت ارتباط با دیگران.^۴

^۱ مهارت گوش دادن، راهنمایی اشخاص برای ابراز بیانات خود، اندیشیدن به آن چه که گفته شده است و خلاصه کردن آن، رو در رو کردن اشخاص با واقعیت های موقعیت ها، تفسیر و بیان واقعیت ها و آگاه کردن شخص از آنها.

^۲ مهارت در حمایت اشخاص، مهارت هایی که در موقعیت های بحرانی لازم اند به کار روند، تخفیف حالات هیجان زدگی و ایجاد شرایط عاطفی و جسمانی آسوده.

^۳ مهارت در حل مشکل، تصمیم‌گیری، برنامه ریزی ارجاع، الگوپردازی و تدریس و فعالیت.

^۴ مهارت در گوش دادن و حضور در ارتباط برقرار کردن با دیگران، توضیح و تفسیر، بررسی دیدگاه ها و درک افراد، شهادت دادن، سوال کردن و مهارت در پاسخ دادن به احساسات و تجربه های دیگران، خلاصه‌برداری و تنظیم افکار با یکدیگر، شرح و تفسیر و آگاه کردن.

وظیفه خطیر مددکار از سه طریق متبلور می‌شود که عبارتند از:

الف) مشاوره:

مددکار اجتماعی با ارائه نظریات مشورتی خود به گروه کمک می‌کند. این نظریه‌ها می‌تواند در زمینه عملکرد گروه یا کمک به انجام وظایف گروه باشد. مشاوره مستلزم آن است که مددکار سنوآل کند و اطلاعات و پیشنهادهای لازم را ارائه دهد. این نوع مشاوره راهی برای قادر ساختن گروه برای شرکت در ارزیابی جمعی مددجویان در موقعیت و نیز در نظر گرفتن چاره کار برای فزونی راه حل مشکلات، توسعه طرح‌ها و برنامه‌های عملی است.

ب) تسهیل:

تسهیل روندی است که به دیگران توانایی عمل می‌دهد. تسهیل روند گروهی یکی از اشکال این وظیفه می‌باشد که مددکاران اجتماعی می‌توانند این وظیفه را به روش‌های متعدد انجام دهند. آنها می‌توانند رفتارهای سودمند اعضا گروه، الگوهای رفتاری مفید، طرح سئوالات مناسب یا ارائه مشاهدات مناسب را حمایت کنند، آنها می‌توانند به اعضا گروه اطلاعاتی در مورد روند گروهی و عملکرد آن بدهند. روش دیگر تسهیل؛ کمک کردن به اعضا گروه می‌باشد که در مورد موضوع اصلی بحث کنند، آن چه را که گفته یا تصمیم گرفته شده است، خلاصه بندی کنند و به دیگران اجازه دهند که بدانند این موارد را به خوبی احساس می‌کنند.

ج) هماهنگی:

هماهنگی مستلزم هدایت و کنترل این مسئله است که تمامی اعضا وظایف مربوط به خود را انجام دهند و وظیفه هریک از اعضا گروه به طریقی انجام گیرد که مکمل اعضا دیگر باشد.

بیشتر هماهنگی از طریق ایجاد روابط به وجود می‌آید. مددکار اجتماعی سعی می‌کند به موقعیت اعضای دیگر گروه و نیازهای هر یک از افراد توجه کند. مددکار اجتماعی از طریق ارتباط با اعضاء گروه، سعی در از بین بردن تفاوت‌ها دارد. مددکاران اجتماعی با داشتن دید وسیع در عملکرد شخصی و اجتماعی، توانائی انجام این کار را دارند. (زاهدی اصل، ۱۳۷۳: ۷۴-۷۰)

اصول حاکم بر مددکاری اجتماعی

الف) اصل پذیرش

یکی از مهم‌ترین اصولی که مددکاران اجتماعی باید رعایت کنند، اصل پذیرش است. این اصل به مددکار اجتماعی می‌آموزد که «مراجع» را آن چنان که هست باید بپذیرد و با او برخورد کند و تعصب‌های قومی، نژادی، مذهبی، سیاسی، جنسی و ... را در نحوه برخورد با مراجع مداخله ندهد. مقصود از «مراجع» در مددکاری اجتماعی، مجرم و یا هر شخصی است که جهت انجام مشاوره و حل مشکل به مددکار مراجعه و یا معرفی می‌شود.

مددکار هر مراجع را با هر مشکلی که دارد، در مقام انسان می‌پذیرد و نحوه رفتار او به گونه‌ای نیست که مراجع احساس کند مددکار او را طرد می‌کند و نسبت به او بی‌اعتناست. بی‌اعتنایی، تکبر و غرور مغایر اصل پذیرش است. اگر مددکار اجتماعی در برخورد اولیه، که سنگ بنای ارتباطات بعدی است، با پذیرش مناسب و احترام به مراجعان بتواند اعتماد آنها را جلب کند، در ادامه کار با مشکل کمتری مواجه خواهد شد.

ب) اصل فردیت

یکی از اصول مددکاری اجتماعی در کار با مراجع، توجه به اصل فردیت است. این اصل به معنی شناسایی و درک کیفیت‌های منحصر به فرد هر مددجو و استفاده از اصول و روش‌ها به طرق مختلف است. اصل فردیت، مددکار اجتماعی را متوجه وضع و حالت‌های خاص مراجع در تدوین برنامه‌های کمکی برای حل مشکلات یا نیازهای آنها می‌نماید.

در پرتو این اصل است که مددکار به محض مشاهده برخی از خصوصیات مشترک در بین مراجعان راه کارهای یکسان و مشابهی انتخاب نمی‌کند. مددکار حتی برای مراجعی که با مشکلی واحد در دو مقطع زمانی مراجعه می‌کند، نمی‌تواند راه کارهای یکسان تدوین نماید. زیرا ممکن است شرایط مراجع و عوامل موثر در بروز مشکل در دو مقطع متفاوت باشد.

ج) اصل رازداری حرفه‌ای

یکی دیگر از اصول مددکاری اجتماعی اصل رازداری حرفه‌ای است. رازداری مفهومی گسترده دارد و تعیین حد و مرز آن به سادگی امکان پذیر نیست. در واقع روابط بین دو فرد، این حد و مرز را مشخص خواهد کرد.

د) اصل رابطه‌ی حرفه‌ای

یکی از مهم‌ترین اصول مددکاری اجتماعی اصل رابطه‌ی حرفه‌ای است. نشان مشخص هر رابطه حرفه‌ای عبارت از آگاه بودن از مقصود و منظوری خاص است که از اطلاع داشتن از نحوه رسیدن به هدف ناشی می‌شود. (پرلمن، ۱۳۷۱: ۱۲۶-۱۲۳) به طور کلی رابطه‌ی حرفه‌ای، رابطه‌ای کنترل شده است که عمدتاً بین مددکار اجتماعی و مراجع برای کمک به رفع مشکل یا نیاز او ایجاد می‌شود.

هـ) اصل مشارکت مراجع

مراجع باید در سرتاسر فرایند مددکاری اجتماعی، از جمله موارد زیر، مشارکت کند:

- ۱) در مرحله جمع آوری اطلاعات یا مرحله اطلاعات؛
 - ۲) در مرحله تشخیص مشکلات یا نیازها و دسته بندی آن ها؛
 - ۳) در مرحله تدوین برنامه کمکی برای رفع نیاز یا حل مشکلات؛
 - ۴) در مرحله اجرای برنامه های تدوین شده؛
 - ۵) در مرحله پی گیری و پس از ترخیص؛
 - ۶) در مرحله ارزیابی برنامه های در حال اجراء و اجراء شده.^۱
- شرکت دادن مراجعان در فرایند مددکاری اجتماعی، اصلی مهم است که پیامدهای گوناگونی دارد. برخی از این پیامدها عبارتند از:
- ۱) مسئولیت پذیری مراجعان برای حل مشکل، رفع نیاز با مشارکت آنان افزایش می یابد.
 - ۲) اصل مشارکت، نوعی توجه و احترام به آن ها محسوب می شود.
 - ۳) مراجعان مهارت های لازم را برای مقابله با مشکلات در شرایط دیگر کسب می کنند.
 - ۴) اعتماد به نفس و عزت نفس آنها تقویت می شود.
 - ۵) اصل خودآگاهی مددکار اجتماعی مددکار خوب مددکاری است که:
- ۱) علائق، اعتقادات، باورها و ارزش های مورد احترام خود را خوب بشناسد و در عین حال متوجه باشد که آن ها را نه مبنای کمک به مراجعان قرار دهد و نه به مراجعان تحمیل کند؛

^۱ البته مددکار اجتماعی از مراجع باید در حد توان او انتظار داشته باشد. در غیر این صورت احساس بی کفایتی، یأس و سرخوردگی در او تقویت می شود، که مغایر با هدف مددکاری اجتماعی است.

- ۲) بتواند نقش های اجتماعی متفاوتی که در جامعه ایفا می کند (مانند کارمند، پدر، مادر، همسر و فرزند) را از هم تفکیک کند و نگذارد که در هنگام عرضه خدمات مددکاری اجتماعی سایر نقش ها رفتار او را تحت تاثیر قرار دهند و موجب شوند که در ایفاء نقش مددکاری اجتماعی قصور و کوتاهی صورت گیرد؛
- ۳) هرگز تجارب زندگی اجتماعی خود را، چه تلخ و چه شیرین، مبنای برخورد با مراجع قرار ندهد. و بر اساس تجارب قبلی خود پیش داوری نکند. چراکه تجاربی که او در زندگی کسب کرده است، لزوماً شبیه تجارب مراجعان نیست.
- ۴) به عنوان یک فرد حرفه ای باید قوت ها و ضعف های خود را بشناسد و درصدد برطرف کردن ضعف های خویش برآید؛
- ۵) خودآگاهی او محدود به زمان خاصی نباشد. از این رو، پیوسته وجوه قوت و ضعف خویش را بررسی کند، چون ممکن است در طی زمان؛ باورها، اعتقادات، شرایط زندگی و نقش وی در حیات اجتماعی تغییر کند. (ماقت و اشفورد، همان: ۱۳۳-۱۲۷)

نتیجه گیری :

امروزه با افزایش بی حصر و حد جرم در جامعه و اهمیت یافتن حل این معضل به صورت ریشه ای، تفکر مجازات محوری به تفکر درمان محوری مجرمین تغییر موضع داده است. استفاده از ابزارهای مجازات جای خود را به ابزارهای درمان و مطالعات اجتماعی، اقتصادی داده است. دانش مددکاری اجتماعی با بهره گیری از تحقیقات علوم اجتماعی به عنوان بازوی قوی، در خدمت دانش جرم شناسی قرار گرفته است. فی الواقع جرم شناسان با مطالعه علل موجد جرم از دانش مددکاری اجتماعی غافل نمانده اند. چراکه جرم شناسی و مددکاری اجتماعی در راستای پیش گیری ثانویه و ثالث دارای نقاط اشتراکی هستند.

مددکار اجتماعی با دخالت در مرحله پس از وقوع جرم، با در نظر گرفتن علل وقوع جرم سعی می کند بر مسائل اجتماعی و نارسائی های موجد جرم اشراف یابد. مددکار اجتماعی با ایجاد تحولاتی در محیط زندان و شناساندن شخصیت و استعدادها و توانایی های مددجو به وی، تلاش می کند تا دریچه ای نورانی به سوی او بگشاید، تا در پرتو آن از تکرار جرم و بازگشت مددجو به دنیای جرم جلوگیری شود. چراکه هدف اصلی فعالیت های مددکاری، رسیدن به مرحله خودیاری، یعنی آموزش مهارت هایی به افراد برای حل مشکلات در سیر دست یابی به اهداف متعالی است.

مددکاری اجتماعی از دو بعد فردی و اجتماعی سعی کرده است تا به کاهش جرم از طریق ختنی کردن مسیر بازگشت مجرم به ارتکاب مجدد جرم کمک کند. این رشته از علوم در جنبه فردی به تناسب نوع جرم و شخص مجرم به شیوه های پزشکی، روان درمان و مذهب و اخلاق درمان؛ و از بعد اجتماعی به مساله حل مشکلات اقتصادی و فرهنگی متوسل شده است.

از حیث بعد فردی در پرتو مطالعات دانش مددکاری اجتماعی شکی باقی نمانده است که در جرائمی که ریشه آن زیستی است، مادام که بیماری درمان نشود، انحراف و آسیب قابل پیش گیری نیست. در رابطه با روان درمانی؛ روان کاوان، روان پزشکان، مددکاران با هماهنگی کردن اجزاء مختلف شخصیت و تقویت آن در امر آسیب پذیری، تغییر ساخت و پیکربندی اجتماعی و نهادی فردی و اعاده حیثیت او، رفع تعارضات روانی، واقف کردن فرد به منشاء تعارض و رفتار خود، حل عقده ها، دگرگون کردن محیط زندگی؛ به ویژه محیط عاطفی و ایجاد زمینه برای تعلقات جدید نیز مثرثمر واقع شده اند.

از جنبه مذهب و اخلاق درمانی سعی شده است تا از طریق احیای وجدان، تکیه به فطرت، رشد زمینه اعتقادی به حساب و کتاب، اعتلای سطح فرهنگ و فکر افراد، واداشتن افراد به تفکر و تعمق در جنبه رفتاری خود، انتقاد سازنده و ایجاد زمینه شک و

تردید در مورد صحت رفتار از بازگشت مجدد مجرم به محیط مجرمانه پیش گیری شود. چراکه بسیاری از جرایم، ناشی از احساس گناه است. لذا ضروری است اندیشه آن را با توبه و بازگشت، از طریق جبران خسارت مادی و معنوی تخفیف یا تسکین دهیم.

اما از بعد اجتماعی در پرتو حل مشکلات اقتصادی، روشن است که بیماران و منحرفان را باید از مجال های زندگی بهره مند کرد، تا در محیط اجتماعی خویشاوندی به سر برند. درمان ها با کار و اشتغال آمیخته شود و از آن بابت که بیکاری منشاء بسیاری از لغزش ها و وسوسه ها است، ایمن سازی صورت گیرد. از حیث توجه به فرهنگ نیز لازم است تا عرضه و ارائه فلسفه ای صحیح از حیات، ارزیابی آداب و رسوم و شعائر و تشریفات، تبلیغ مذهب و اخلاق، تشویق به اصلاح خود و گسترش تفریح های سالم؛ فرصت های مجرمانه ریشه کن شوند و استفاده از ابزار زندان برای طرد مجرم از جامعه، برای افرادی باشد که در آنها امید و اعتمادی به اصلاح شدن و زندگی اجتماعی نباشد.

منابع:

۱. بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین ابرندآبادی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۰، چاپ سوم
۲. پرلمن، هلن هریس، مددکاری اجتماعی، ترجمه پریوش منتخب، تهران، انتشارات شرکت سهامی، ۱۳۷۱، چاپ دوم
۳. جانسون، لوییز، حرفه مددکاری اجتماعی از دید گناه جامع، ترجمه محمد حسین بازرگان، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۹، چاپ اول
۴. سام آرام، عزت ا...، مددکاری اجتماعی کار با جامعه، تهران، انتشارات نقش هستی، ۱۳۷۴، چاپ اول

۵. دانش، تاج زمان، مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، تهران، انتشارات موسسه کیهان، ۱۳۸۱، چاپ نهم
۶. زاهدی اصل، محمد، مبانی مددکاری اجتماعی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳، چاپ اول
۷. فرجیهای قزوینی، محمد، اقدام مناسب برای پیش گیری از جرم و اصلاح مجرمین، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۳
۸. مافت، مری دابلو. و خوزه بی اشفورد، اصول و مبانی مددکاری اجتماعی، ترجمه خدیجه السادات غنی آبادی، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۷۹
۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حمید هاشم بیگی، دانش نامه جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷، چاپ اول
۱۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی مقطع دکتری، به کوشش محمد علی بابائی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹
۱۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی مقطع کارشناسی ارشد، به کوشش امیر حسین نیازپور، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱
۱۲. هیوز، گوردون، پیشگیری از جرم، ترجمه علیرضا کلدی و محمد تقی جفتای، تهران، نشر سازمان بهزیستی و دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، ۱۳۸۰، چاپ اول



پروفیسر شہباز گل شاہین
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ